روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۱۱ آبان ۱۳۹۴ • ۱۹ محرم ۱۴۳۷ • ۲ نوامبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۷ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۷ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۳ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

وضعیت غیرادبی

پوریا عالمی

• وضعیت ادبی ایران اصولا چگونه است. کسی کار نمی‌کند اما همه به کار هم کار دارند. پس نتیجه گرفتیم وضعیت ادبی ما غیرادبی است چون تولید ادبی نداریم. وقتی هم که وضعیت این‌طور باشد دیگر حرجی به کسی نیست. چندسال پیش دعواهای قلمی شاملو و براهنی و دیگران خیلی جذاب بود و چیزی که جذاب باشد باب می‌شود منتها وقتی چیزی باب بشود و جذاب هم بشود ممکن است خیلی‌ها را در خودش حل کند و وضعیت را مذاب کند. یک‌زمان این‌طوری بود که یک‌نفر کتاب زیاد می‌خواند باقی کتاب‌های او را می‌خواندند. الان این‌طوری شده که یک‌نفر کتاب زیاد می‌نویسد باقی هم کتاب‌های خودشان را می‌نویسند. منتها چون انتشار کتاب سخت است کسی کتاب هم نمی‌نویسد و مستقیم توی فیس‌بوک یا میهمانی و بغل میز آشپزخانه حرف می‌زند. وقتی شما بخواهی کتاب بنویسی مجبوری استدلال کنی. اما وقتی بخواهی توی فیس‌بوک بنویسی استدلال لازم نیست. یعنی چیزی را که می‌خواهی بگویی جای اینکه دلیل بیاوری تا مردم باورشان شود یک‌جوری می‌گویی که زورچپان شود. یعنی متن را به مخشان استعمال می‌کنی. برای این‌کار هم از هر چیزی استفاده می‌کنی. خلاصه قدیم این‌طوری بود که دوتا سپهسالار با هم می‌جنگیدند و پای دعواشان می‌نشستی چیز یاد می‌گرفتی. توی جهان وسط مبارزه می‌شود فن زد اما نمی‌شود فحش داد. فحش هم خواستی بدهی بده اما نمی‌توانی آجر پرت کنی. الان شما یک‌لحظه فیس‌بوک را باز کنی می‌بینی که آجر است که دارد پرت می‌شود. فیس‌بوک منتها آدم را عمیق نشان نمی‌دهد. شما برای اینکه عمیق جلوه کنید باید بروید توی روزنامه‌ای، مجله‌ای، جایی ستون و صفحه بگیرید تا بتوانید پشت‌سر این و آن صفحه بگذارید. یک راه هم این است که آدم وقتی صداش بلند نیست صداش را بلند کند تا بهش نگاه کنند. اما خیلی پیش می‌آید که تو صدات را بلند کنی اما کسی نگاهت هم نکند. راهش این است که بگویی من دارم از طرف فلانی حرف می‌زنم یا حرفت را بگذاری دهن فلانی که بزند. این‌طوری جواب می‌دهد. خلاصه یک همچین حالی است الان وضعیت. مراقب آجر باشید. یعنی همین ۵۱۶ کلمه ما را جای آجر فردا پتک می‌کنند می‌زنند توی سر خودمان. بعید هم نیست به دلیل همین ۵۰۰ کلمه فردا سمت ما آجر پرت کنند. البته عیبی ندارد. ما از لحاظ منطق و استدلال به مرحله آخر رسیدیم. یعنی حرفمان را می‌زنیم اما اگر کسی خواست آجر پرت کند سمت ما، ما جاخالی نمی‌دهیم هد می‌زنیم. الان هم حرف ما را گوش نکنید ما صدامان را می‌بریم بالا، باز هم نشنوید، حرفمان را می‌گذاریم دهان یکی دیگر. اگر واقعا گوش نکنید با آجر می‌زنیم توی سرمان. این را هم ندیدید خودمان را می‌اندازیم زیر ماشین. این را هم نبینید یک گور با دست خودمان می‌کَنیم خودمان را چال می‌کنیم. این را هم نمی‌بینید؟ اصلا خاک‌توسر من. اصلا راحت شدید با این نون‌هاتون؟

اتفاق

محمود دولت‌آبادی همراه کمپین یک‌میلیونی فاجعه منا شد

• محمود دولت‌آبادی هم به همراهان کمپین امضای نامه به دبیرکل سازمان ملل در محکومیت فاجعه منا پیوست تا هرچه‌زودتر یک‌میلیون‌نفر حامی این اتفاق باشند و این فاجعه از سوی سازمان ملل پیگیری شود. به گزارش «شرق»، این نویسنده با پیوستن به کمپین امضای نامه به دبیرکل سازمان ملل در پی فاجعه «منا» نوشته است: «امور کلان، مسئولیت‌پذیران مناسب خودش را طلب می‌کند؛ ناتوانی حکومت آل‌سعود در مدیریت مناسک منا ذهن را متوجه سؤالات دشواری می‌کند! امیدوارم ایشان بتوانند پاسخی روشن به چگونگی رخداد واقعه منا بدهند». با وجود اینکه چندهفته‌ای از فاجعه منا در عربستان می‌گذرد اما هنوز تعدادی از اجساد به ایران بازنگشته‌اند و بسیاری دچار این غم شده‌اند. این‌روزها شماره پیامکی رایگان ۶۳۶۲ همراه اول به این کار اختصاص یافته که علاقه‌مندان می‌توانند با ارسال عدد ۲۰ به این حرکت بپیوندند. این کمپین که در سایت موزه صلح می‌توان متن آن را پیدا کرد، تاکنون حامیانی همچون اصغر فرهادی، پرویز پرستویی، رضا کیانیان، احمدرضا درویش، رامبد جوان، عادل فردوسی‌پور و... از مردم برای پیوستن به این کمپین دعوت کرده‌اند.

کارتون خواب

امین منتظری

کودکی

سواد فرهنگی چیست؟

محمدهادی محمدی

آنها که دهه ۴۰ و ۵۰ را به یاد دارند، اگر اهل کتاب و کتاب‌خوانی بودند، همیشه در کتابفروشی‌ها یا در خانه این و آن، کتاب‌های قطور و پرحجمی می‌دیدند که روی آن نوشته بود، اطلاعات عمومی. به‌راستی این کتاب‌ها کشکولی بود از اطلاعات پایه تاریخی، جغرافیایی، ادبی و اجتماعی و...؛ در آن روزگار که اینترنت و گوگل نبود، همه اطلاعات عمومی موردنیاز جامعه در این کتاب‌ها گرد آمده بود. در آن دوره، سواد فرهنگی به مفهوم عامیانه آن، همین اطلاعات عمومی بود که هرکسی به دلخواه خود می‌توانست آن را به دست بیاورد. اما این تعریف ساده‌ترین و سطحی‌ترین برداشت از سواد فرهنگی است. سواد فرهنگی ارتباط تنگاتنگی با کتاب‌خوانی و خواندن نشریه و روزنامه در یک جامعه دارد. البته در چند دهه اخیر، پدیده‌های دیگری مانند فیلم، تلویزیون و دنیای مجازی و آگاهی از محتوای آنها نیز بخشی از سواد فرهنگی یک جامعه را می‌سازند. بارها شده است که فرهیختگان دل‌سوخته به وضعیت کتاب‌خوانی مردم ژاپن یا کشورهای اروپایی اشاره کرده و حسرت تصویرهایی را خورده‌اند که این مردم در ترن یا اتوبوس یا در پارک نشسته‌اند و کتاب یا نشریه می‌خوانند. در حقیقت این رفتار که فرهنگی است، اشاره به سواد فرهنگی یک جامعه دارد و شاخص‌های آماری نیز نشان می‌دهد تفاوت سرانه خواندن در جامعه آنها با جامعه‌هایی مانند ما، از زمین تا آسمان است و نسبت باسوادی یا بی‌سوادی فرهنگی را در یک جامعه نشان می‌دهد.

سواد فرهنگی شاخص بسیار روشنی برای نقش فرد در جامعه است. هر جامعه‌ای که به نقش فرد اهمیت می‌دهد و مشارکت افراد در آن مهم باشد، بسترهای پرورش سواد فرهنگی را فراهم می‌کند. سواد فرهنگی شناخت یک فرد است، از پیشینه یا تاریخ جامعه خود و جامعه جهانی، جغرافیای خود و جغرافیای جهانی، مناسبات اجتماعی و شناخت نشانه‌های فرهنگی و واکنش بایسته و شایسته به آن. برای فردی که سواد فرهنگی دارد، نشانه‌هایی مانند هشدارهای زیست‌محیطی در دل دشت و کوه و جاده‌ها، تنها یک تصویر نمادین خاموش نیست، بلکه هشداری برای تنظیم رفتارهای فرد با محیط است. بنابراین جامعه‌های پیشرفته برای سواد فرهنگی هزینه می‌کنند که به پایداری برسند، جنگل‌ها را نگهداری کنند، آب‌ها را آلوده نکنند، میراث مادی و معنوی را زیر دست‌وپا له نکنند، خشونت‌های فردی و اجتماعی را کاهش دهند و در نهایت از سواد فرهنگی، افزاری می‌سازند که فرد در آن جامعه احساس پیش‌روندگی و تعالی داشته باشد.

سواد فرهنگی تنها برای فرد نیست و برای ایجاد رابطه میان افراد نیز هست. تصور کنید که شما در مقام یک کارشناس علوم با یک کشاورز در ترن کنارهم نشسته‌اید و مجبور به هم‌نشینی چندساعته هستید. آن چیزی که سبب ایجاد رابطه کوتاه یا بلندمدت می‌شود، دانش و آگاهی مشترک شما از برخی امور است. سواد فرهنگی نقش بی‌بدیلی در هر نوع گفت‌وگویی از همدلانه، انتقادی و هدایت‌گرانه دارد و بسترهای مشارکت فرد را در جامعه ایجاد می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های سواد فرهنگی، شناخت از فرهنگ دیگری است. شناخت از فرهنگ دیگری روابط فرد را با جهان دیگر یا فرهنگ دیگر سازمان می‌دهد و به او مدارا با فرهنگ‌های دیگری را می‌آموزد. جامعه ما آمیخته‌ای از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست. پایداری چند هزار ساله جامعه ایران در همزیستی این فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها بوده است. اما اکنون هرکدام از ما چه میزان شناخت از فرهنگ مردم دیگر در جامعه خودمان و از فرهنگ‌های دیگر در جامعه جهانی داریم؟ شناخت این فرهنگ‌ها سبب درک و در نهایت احترام متقابل می‌شود. اگر ما در شهر یا روستای خودمان به کسی به سبب نوع گویش و سخنش بخندیم یا او را به سبب پوشاکش دست بیندازیم، این چیزی نیست جز نشانه بی‌سوادی فرهنگی. سواد فرهنگی مانند همه گونه‌های دیگر سواد، باید در آموزشگاه و از پیش‌دبستان آموزش داده شود. رایج‌ترین افزار سواد فرهنگی نیز هنر کودکان و ویژه ادبیات کودکان است. کتاب‌خواندن کودکان یا کتاب‌خوانی برای آنها، گفت‌وگو درباره محتوای کتاب‌ها، عادت‌دادن کودکان به خواندن نشریه‌های خود، رفتن به کتابخانه برای هم‌کنشی با کتاب، کتابدار و خوانندگان هم‌سطح خود، مشارکت در شناخت و اجرای موسیقی‌های مناسب، دیدن نمایش یا فیلم و نمایشگاه‌های نقاشی، همه آن چیزهایی است که کودکان را در بستر آموزش سواد فرهنگی قرار می‌دهد. عامل اصلی بقای هر جامعه‌ای سواد فرهنگی است. اگر ما جامعه‌ای با سواد فرهنگی داشتیم، آمارهای نابودی جنگل‌ها، خشک‌باری دشت‌ها، آلودگی‌های زیست‌محیطی، ویرانی میراث فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی‌مان چنین نبود که امروز است.

گفتار

نظارت و انتقاد با تشکیل کمپین

رسول منتجب‌نیا

فعالیت و رقابت‌های سیاسی در همه دنیا و کشور ما پدیده‌ای پذیرفته‌شده است و افراد با سلایق مختلف سیاسی از یکدیگر انتقاد می‌کنند، برنامه‌های متفاوت اعلام می‌کنند و از مردم می‌خواهند به برنامه‌های آنها رأی دهند، اما در کنار رقابت‌های سیاسی، موضوعی که سلایق سیاسی متفاوت باید آن را به‌عنوان اصلی مشترک بپذیرند، منافع ملی است و همه گروه‌ها، احزاب و افراد باید بدانند وقتی منفعت ملی در کار باشد همه کسانی که به نحوی دلبسته کشور و نظام هستند، باید تلاش کنند با هماهنگی این منافع را تأمین کنند. مشخص است اگر خطری برای تمامی ملت و نظام ایجاد شود، همه برای رفع آن خطر تلاش می‌کنند و ما پیش از این نیز در حوادثی تاریخی مانند دفاع مقدس یا مسئله هسته‌ای این عزم ملی را مشاهده کرده‌ایم. درباره حوادث غیرمترقبه که به‌نحوی به منافع ملی مرتبط است، نیز باید توجه داشت این مسئله یک جناح یا یک دولت نیست، بلکه مسئله‌ای مربوط به نظام و ملت است و همه باید نسبت به آن حساس باشند و برای حل آن تلاش کنند. پذیرفته‌شده نیست کسی از این حوادث برای کسب رأی یا برعکس ابزار تضعیف رقیب و تسویه‌حساب استفاده کند. اگر امروز با حوادثی نظیر سیل یا ریزگرد مواجه هستیم نباید عده‌ای آن را وسیله تضعیف دولت قرار دهند و از آن استفاده سیاسی کنند. این حرکتی غیراخلاقی است که با حفظ منافع ملی تناسبی ندارد، زیرا مسئله ریزگردها در خوزستان مشکلی چندساله است که نیاز به پیگیری و علت‌یابی دارد تا جان مردم به خطر نیفتد. جایی که مصالح و منافع ملی در میان است نباید جناح‌های سیاسی از آن سوءاستفاده کنند و آن را حربه تضعیف رقیب قرار دهند، چه رقیب یک حزب باشد و چه دولت. از سوی دیگر، در این زمینه مردم نیز اثرگذار هستند. مردم صاحب کشور و ولی‌نعمت مسئولان کشور هستند. آنها باید درهمه‌حال بر حوادث و شیوه حل‌وفصل آنها نظارت کنند و نباید خودشان را از این اتفاقات کنار بکشند. مردم باید بدون اینکه تحت‌تأثیر القائات سیاسی و جناحی قرار گیرند، واکنش نشان دهند و انتقادشان را از طرق قانونی به گوش مسئولان برسانند. اما باز هم تأکید می‌کنم مردم باید به صورت مستقل و مستدل و نه تحت‌تأثیر تحریکات و سوءاستفاده‌ها، چنین نظارتی داشته باشند. مردم حتی می‌توانند آنهایی را که در این زمینه غیرمنصفانه برخورد می‌کنند مانند گروه‌ها، احزاب یا رسانه‌ها را مورد انتقاد قرار دهند. برای مثال اگر صداوسیما یا دیگر رسانه‌های مکتوب و مجازی سخت‌گیری و جهت‌گیری علیه دولت دارند و مردم به آنها ایراد دارند، نظراتشان را منعکس کنند. مردم امروز می‌توانند از طرق مختلف مثل تشکیل‌دادن کمپین‌ها صدای اعتراض و نظارت خودشان را به گوش مسئولان برسانند. چه آنجایی که مثل موضوع ریزگردها خواهان پیگیری بیشتر مسئولان هستند و چه آنجایی که به برخوردهای غیرمنصفانه انتقاد دارند. اصل این است که مردم ساکت بی‌توجه نباشند.

تجربه دیگران

جیمزباند و هملت طرفدار مهاجران سوری

این روزها بحران مهاجران جزء دغدغه‌های بازیگران انگلیسی شده است. دنیل کریگ، بازیگر جیمز باند که هم‌اکنون فیلم «مأمور ۰۰۷: شبح» را روی پرده دارد، در مصاحبه با خبرگزاری فرانسه گفته است دولت‌های اروپایی باید برای حل بحران مهاجران سوری وارد عمل شوند. این بازیگر انگلیسی همچنین افزود: «در زمینه مهاجران، ما با یک تراژدی انسانی روبه‌رو هستیم. به‌همین‌دلیل حکومت‌ها در این زمینه مسئول هستند که پا پیش بگذارند و برای حل بحران اقدام کنند». بازیگر ۴۷ساله نقش جیمز باند همچنین گفت: «با جاسوس‌بازی‌های خیالی این بحران حل نمی‌شود! باید اقدام عملی درباره آن صورت گیرد». کریگ درباره تأثیرات این بحران بر سینما گفت: «باید بدانیم خانواده‌ها در خاورمیانه وقتی دچار چنین بحران عمیقی هستند هیچ علاقه‌ای به فیلم‌دیدن و سینمارفتن ندارند. راستش را بخواهید در آن شرایط این آخرین چیزی است که به ذهنشان می‌رسد». کریگ که در کارنامه خود فعالیت در زمینه مسائل حقوق‌بشر را دارد، بر اقدام فوری و عملی در زمینه بحران مهاجرت تأکید کرد.چندروز پیش هم «بندیکت کامبربچ»، بازیگر انگلیسی شرلوک هلمز، بی‌کفایتی وزرای بریتانیا را به‌خاطر ناتوانی‌شان در حل بحران مهاجران سوری مورد انتقاد قرار داد و به آنها توهین کرد. کامبربچ این اظهارات را پس از اتمام نمایش هملت که در حال ایفای نقش در آن است بیان کرد. او همچنین از کشورش برای پذیرش تنها ۲۰ هزار مهاجر در طول پنج‌سالی که از جنگ سوریه می‌گذرد انتقاد کرد و گفت: «ما به‌عنوان شهروندان موظف هستیم به قایق‌های پناه‌جویان که به سمتمان می‌آیند بگوییم ما شما را می‌بینیم و کمک در حال رسیدن است». صحبت‌های کامبربچ و استفاده او از کلمات رکیک در این سخنرانی انتقادهای زیادی را به‌دنبال داشته است. روزنامه «دیلی‌تلگراف» حرف‌های کامبربچ را به‌صورت نقطه‌چین منتشر کرده و گاردین کلمات او را به طور کامل استفاده کرده است. هرچند بسیاری از مخاطبان حرف‌های کامبربچ، دانش‌آموزانی بودند که برای دیدن تئاتر آمده بودند . روزنامه «گاردین» البته واکنش مخاطبان را به‌گونه‌ای دیگر گزارش کرده است. این روزنامه می‌نویسد که شنوندگان این سخنان کامبربچ متوجه سرخوردگی او از سیاست‌های بریتانیا در قبال حل بحران مهاجران هستند و علت این سخنان بی‌ادبانه را درک می‌کنند. بنابر گزارش این روزنامه، «شرلی ویلیامز»، سیاست‌مدار انگلیسی، در میان تماشاچیان نمایش کامبربچ و شنونده توهین‌های او بوده است. یکی دیگر از تماشاچیان به روزنامه «دیلی‌میل» گفته است: «معلوم است که این اظهارات بی‌علت نیست. وقتی شما چیزی را از دولت می‌خواهید و آنها هیچ‌کاری در قبال آن نمی‌کنند، اظهارات و واکنش‌های این‌چنینی منطقی است».